

متعهد ساختن یا فشار؟ سنجش خطمشی‌های
حقوق بشری غربی‌ها در برابر ترکیه، ایران و مصر

دکتر مهدی ذاکریان

پژوهشگر ارشد مرکز پژوهش‌های علمی و مطالعات استراتژیک خاورمیانه

Katerina Dalacoura, *Engagement or Coercion? Weighing Western Human Rights Politics towards Turkey, Iran and Egypt*, London: The Royal Institute of International Affairs, 2003, 82 pages.

کتاب پیش روی نیز در این زمینه است. این‌که چگونه می‌توان حقوق بشر را در سه کشور ترکیه، ایران و مصر گسترش داد؟ با تشویق و ترغیب یا با فشار و تحریم؟

مطالعه و بررسی کتاب نشان می‌دهد که نویسندگان چندین مفروض را پذیرفته

این تنها روانشناسی کودک نیست که موضوع پاداش و تنبیه را در یادگیری درست کودکان کارا و سودمند می‌بیند. دانش روابط بین‌الملل نیز برای دستیابی به هنجارهای ساختار نظام بین‌الملل از همین ابزار بهره می‌گیرد و راهبرد هویج و چماق در این زمینه پیش‌بینی شده است. موضوع

است: نخست این که باخترازمین از دیگران در زمینه حقوق بشر جلوتر است. دوم این که سه کشور ترکیه، ایران و مصر همچنان در راه رسیدن به حقوق بشر قرار دارند. سوم؛ آمریکا، اتحادیه اروپا و دولت‌های همفکر^۱ رسالت ترویج و گسترش دموکراسی و حقوق بشر را به عهده دارند. کتاب با بهره‌گیری از روش موردپژوهی^۲ این فرضیه را بررسی می‌کند که در دستیابی به حقوق بشر راهبرد متعهد ساختن کشورهای یادشده به حقوق بشر بسیار سودمندتر از راهبرد فشار است.

نویسنده کتاب کاترینا دالاکورا مدرس روابط بین‌الملل در مدرسه علوم اقتصادی و سیاسی لندن است. وی در آنجا روابط بین‌الملل در خاورمیانه را تدریس می‌کند. پژوهش‌های او بیشتر درباره حقوق بشر در خاورمیانه و اسلام سیاسی است. کاترینا نگارش کتاب *اسلام، لیبرالیسم و حقوق بشر: راهنمایی برای روابط بین‌الملل* را در کارنامه خود دارد. این کتاب برای نخستین بار در سال ۱۹۹۸ به چاپ رسید و در سال ۲۰۰۳ بازبینی و

دوباره چاپ شد. کتاب دوم او که اکنون به آن می‌پردازیم، ادامه پژوهش‌های حقوق بشری نویسنده در منطقه خاورمیانه است. کتاب با یک پیش‌درآمد، مقدمه، سه گفتار و نتیجه‌گیری سازماندهی شده است. پیش‌درآمد کتاب به موضوع رویدادهای ۱۱ سپتامبر اشاره می‌کند و بازتاب آن را بر موضوع حقوق بشر مورد بررسی قرار می‌دهد. تردیدی نیست که رویارویی با تروریسم در دستور کار سیاست خارجی آمریکا قرار گرفت. نکته درستی که نویسنده به آن می‌پردازد چرایی شکل‌گیری تروریسم و چگونگی خشکاندن ریشه‌های آن است. در این زمینه رژیم‌های اقتدارگرا و گسترش حقوق بشر و دموکراسی پاسخی است که نویسنده برپایه عملکرد ایالات متحده ارایه می‌کند: «آمریکا ۲۹ میلیون دلار در سال ۲۰۰۲ برای گسترش دموکراسی، حقوق بشر، آموزش و بازار آزاد اختصاص داد تا بتواند تروریسم را ضعیف کند». (ص IX) این جمله نویسنده یعنی این که آمریکایی‌ها حقوق بشر را برای ما نمی‌خواهند، بلکه امنیت شهروندان آمریکایی وابسته به گسترش حقوق بشر

1. Like-minded States

2. Case Study

است و برای حفظ جان آنها باید به خاورمیانه‌ای‌ها حقوق بشر را یاد داد!

این تنها مستبدین خاورمیانه‌ای نیستند که با نخوت و روحیه فرعون‌ی بر شهروندان این منطقه حکومت می‌کنند؛ مدعیان جهانی حقوق بشر و دموکراسی نیز روحیه سرداری و سروری خویش را به شهروند خاورمیانه‌ای به شیوه‌ای دیگر نمایش می‌دهند. بی‌توجهی به این نکته‌های ظریف در نگارش یک کتاب از سوی استاد یکی از دانشگاه‌های بریتانیا مایه تأسف است.

به باور نویسنده، با پایان جنگ سرد؛ حقوق بشر بر سیاست خارجی آمریکا، اتحادیه اروپا، بریتانیا و دولت‌های همفکر شامل نروژ، سوئد، هلند، دانمارک و کانادا اشراف یافته و همین امر موضوعی است که روابط این کشورها با خاورمیانه را تحت تأثیر قرار داده است. اتحادیه اروپا به عنوان یک بازیگر گروهی در نظام بین‌الملل مؤلفه حقوق بشر، دموکراسی و حکومت خوب را در سیاست خارجی خود وارد کرده است. از دهه ۸۰ میلادی پارلمان اروپا حقوق بشر را به عنوان یک معیار مهم در روابط خارجی اروپا با

دیگران مطرح کرد و از آن هنگام جامعه اروپا نیم‌نگاهی به حقوق بشر داشت. پیمان ماستریخت ۱۹۹۱ این موضوع را تقویت کرد و در نهایت حقوق بشر و دموکراسی به یکی از معیارهای نشست کپنهاگ در موضوع پذیرش عضو جدید برای اتحادیه اروپا تبدیل شد. (ص ص ۷-۱)

نکته مهمی که در کتاب به آن اشاره شده این‌که اتحادیه اروپا و آمریکا در دهه ۹۰ کمک‌های اقتصادی را در کنار حقوق بشر قرار دادند و همین سبب شد تا موضوع انتقاد جدی کشورهای جنوب به شمال درباره بی‌توجهی شمال به حقوق نسل ۳ کاهش یابد.

نخستین گفتار کتاب با بررسی نخستین کیس آغاز می‌شود: ترکیه. نویسنده در این گفتار خط‌مشی‌های حقوق بشری آمریکا و اتحادیه اروپا در برابر ترکیه طی دهه ۹۰ را بررسی می‌کند. به نظر نویسنده خط‌مشی‌های حقوق بشری باخترزمین نسبت به ترکیه تأثیر مثبت داشته است. ترکیه خواهان پیوستن به اتحادیه اروپا است و هزینه این پیوستن انجام اصلاحاتی در کشور است. (ص ص ۱۰)

ترکیه در ژانویه ۱۹۸۷ حق افراد برای شکایت در دادگاه اروپایی حقوق بشر را پذیرفت. (ص ۱۳) همچنین گفت‌وگوهای ترکیه و اتحادیه اروپا سبب شد تا هر یک از نخست‌وزیران ترکیه - اوزال، چیلر و ایلماز - اصلاحاتی را انجام دهند. (ص ص ۱۷-۱۸) آمریکا نیز به ترکیه فشارهایی را وارد آورد، اما این فشارها هیچ‌گاه سبب آن نشد تا اتحاد ترکیه و ایالات متحده آمریکا تحت‌الشعاع موضوع حقوق بشر قرار گیرد.

گفتار ۲ بررسی موضوع ایران است. به نظر نویسنده، تحولات حقوق بشر در ایران در دهه ۹۰ بیشتر دستاورد تحولات سیاسی داخل کشور بود تا بازیگران خارجی. (ص ۲۵) در واقع در مقام مقایسه، نقش عوامل بیرونی و به ویژه فشارهای حقوق بشری باخترزمین در تحولات حقوق بشری ایران اندک است. نویسنده با در نظر گرفتن این موضوع نتیجه می‌گیرد که خط‌مشی‌های حقوق بشری حکومت‌های اروپایی در موضوع تشویق فضای باز سیاسی کشور موفق‌تر از خط‌مشی آمریکا در تحریم و منزوی کردن ایران است. با این وجود، نویسنده از یاد

می‌برد که چالش‌های حقوق بشری در ایران همچنان وجود دارند.

با این که آمریکا همچنان سیاست‌های تحریم علیه ایران را اعمال می‌کند، اما عملکردهای آمریکا تنها به تقویت مواضع ایدئولوژیک ایران انجامید. نویسنده این موضوع را به درستی نشان می‌دهد که مجازات‌های اقتصادی آمریکا تنها سبب‌ساز عقب‌ماندگی اقتصادی ایران شد تا بهبود حقوق بشر در ایران. تحریم‌های آمریکا علیه ایران طی سال‌های ۱۹۹۷-۱۹۹۵ هر ساله بین ۱/۲ تا ۲/۳ میلیارد دلار برای ایران ضرر و زیان داشته است. این هزینه طی سال‌های ۲۰۰۰-۱۹۹۸ به رقم ۱/۵ تا ۲/۶ میلیارد دلار افزایش یافت. (ص ۳۳) این هزینه‌ها تنها به ضعف اقتصاد ایران انجامید و هیچ دستاوردی در تغییر وضعیت حقوق بشر ایران نداشته است.

در راستای یافته‌های نویسنده کتاب باید به این نکته اشاره کنیم که رفسنجانی راست می‌گفت که آمریکایی‌ها ما را نشناخته‌اند. نوع رفتار و تصمیم‌گیری آمریکا در موضوع ایران واقعاً چه نتیجه‌ای داشته است؟ برخورد آمریکا با موضوع ایران، گاه ما را به این نتیجه می‌رساند که

دستگیری یهودیان و قتل زهرا کاظمی هیچ‌گاه اقتصاد و بازرگانی دو طرف را به تعطیلی نکشاند. نویسنده بدین ترتیب کارآیی دو نوع خط‌مشی پاداش و مجازات را مقایسه می‌کند.

سومین گفتار موضوع مصر است. به نظر نویسنده، رژیم اقتدارگرای مصر ریشه در زمان ناصر دارد و حقوق بشر همچنان در دهه ۹۰ محدود بود و هزاران زندانی سیاسی در مصر وجود داشت. (ص ۴۳) اگرچه انتخابات پارلمانی و تحولات حقوق بشری در مصر دنبال شده‌اند، اما این کشور واقعاً با موضوع حقوق بشر مشکل دارد. نویسنده به این موضوع اشاره می‌کند که خط‌مشی‌های حقوق بشری آمریکا و اروپا در مصر با فشار کمتری دنبال می‌شود زیرا مصر و مبارک از کشورهای طرفدار غرب است و موضوع اسلام‌گرایی در شمال آفریقا به ویژه در مصر موضوع حساسی است. به همین دلیل کشورهای باخترزمین فشار زیادی به مصر برای گسترش دموکراسی در دهه ۹۰ نیاوردند. از سوی دیگر مصر کشوری بود که صلح با اسرائیل را انجام داد. به نظر

یا آنها در شناخت ایران و رویارویی با ایران بسیار عقب‌مانده‌اند و یا باید تسلیم تئوری توطئه شد.

دشمنی آمریکا با ایران با تحریم ایران پایان نیافت. آمریکا در یک فاز دیگر ایران را یک کشور یاغی^۱ نامید. سپس کنگره آمریکا در سال ۱۹۹۵ مبلغ ۱۸ میلیون دلار برای مقابله با ایران اختصاص داد. آنگاه جرج بوش از این هم فراتر رفت و در ژانویه ۲۰۰۲ ایران را در کنار عراق و کره شمالی جزو محور شرارت^۲ نامید. پس از آن وزارت خارجه آمریکا در مه ۲۰۰۲ ایران را بزرگ‌ترین پشتیبان تروریسم نامید.

نویسنده سپس به خط‌مشی‌های اروپایی‌ها در برابر ایران می‌پردازد. به نظر وی خط‌مشی اروپایی‌ها در متعهد ساختن ایران به حقوق بشر در دهه ۹۰ کارآمدتر بود. (ص ۳۵) اروپا دیدگاه آمریکا در تحریم ایران را مورد انتقاد قرار داد و در موضوع انرژی - نفت و گاز - سرمایه‌گذاری کرد. موضوع سلمان رشدی، میکونوس، اقلیت بهایی،

1. Rogue State

2. Axis of Evil

غربی‌ها فشار به مصر برای موضوع حقوق بشر نتایج منفی در پی خواهد داشت.

غربی‌ها بیشتر موضوع حمایت از جامعه مدنی در مصر را دنبال می‌کنند. این خط‌مشی ممکن است در درازمدت پاسخ دهد. از سوی دیگر رویدادهای ۱۱ سپتامبر هم این فرصت را به مصر داد تا ادعا کند که مبارزه آن رژیم با تروریست‌های اسلام‌گرا در دهه ۹۰ درست بوده است. مفهوم «دموکراسی مسئولانه» پیشنهاد مبارک برای پس زدن اسلام رادیکال و اسلام‌گراها بود. (ص ۵۵)

از سوی دیگر حضور فعال دو مصری در رویدادهای ۱۱ سپتامبر این پرسش را پیش روی ما قرار می‌دهد که آیا نبود دموکراسی سبب افراط‌گرایی شده و ۱۱ سپتامبر را در پی داشته است؟ محمد عطا و ایمن الظواهری - فرد شماره ۲ و مغز متفکر القاعده - ۱۱ سپتامبر را طراحی و اجرا کردند. بسیاری از اعضای القاعده نیز تابعیت مصری داشته‌اند.

کتاب با یک نتیجه‌گیری به پایان می‌رسد. نویسنده دوباره به کنایه‌ها و فرضیه خویش بازمی‌گردد که انزوا، تحریم

و فشار اقتصادی برای رشد و ترویج هنجارهای جهان‌شمول حقوق بشر نتایج منفی داشته‌اند، در حالی که سیاست متعهد کردن به کاهش تنش بین اروپا و سه کشور ترکیه، ایران و مصر و پیشرفت حقوق بشر انجامید. نویسنده در نتیجه‌گیری کتاب نکته مهمی را باز می‌کند و آن این‌که سیاست خارجی آمریکا در رابطه با حقوق بشر پس از ۱۱ سپتامبر نیز همچنان مانند دهه ۹۰ دوگانه بود. برای نمونه در حالی که آمریکا از عراق، ایران و حکومت خودگردان فلسطین می‌خواست که اصلاحات دموکراتیک را در کشورهای خویش انجام دهند؛ اردن، قطر و بحرین را از مدل اصلاحات خارج کرد.

کتاب به رغم حجم اندک خود نشان می‌دهد که بررسی موضوع حقوق بشر در خاورمیانه با این‌که بسیار پیچیده است اما قابل جمع‌بندی و حل است. نویسنده تلاش کرده تا داوری خوبی در موضوع فرآیندهای حقوق بشری سه کشور مورد بحث داشته باشد. با این وجود بایستی با هدلی بول هم‌گفتار شویم که چیزی به نام پژوهش خالی از ارزش^۱ در روابط

بین‌المللی یا دیگر موضوعات اجتماعی وجود ندارد و کتاب کاترینا نیز تحت تأثیر این موضوع است، به گونه‌ای که ارزیابی‌های او از موضوع حقوق بشر سه کشور ایران، ترکیه و مصر همواره از زاویه یک داور غربی مورد سنجش قرار گرفته است. اگرچه تلاش‌های گذشته کاترینا قابل تحسین است و برنامه‌های تحقیقاتی

که او هم‌اکنون در این موضوع در دست دارد نیز مورد توجه است، اما گره معمای حقوق بشر کشورهای منطقه ما هنگامی باز خواهد شد که پارادوکس‌های منطقه با دیدگاهی خالی از ارزش باخت‌زمین مورد بررسی قرار گیرد.

